


## Conditional construction in Pashai language

Naseh, Noorahman<sup>1</sup> 

PhD student in Linguistic, Allameh  
Tabataba'i University, Tehran Iran

Dabir moghaddam, Mohammad<sup>2</sup> 

professor of linguistics, Allameh  
Tabataba'i University, Tehran Iran

### Abstract

All languages in the world have conditional sentences that behave differently in the conditioning process. That is, the classification of conditional construction has been done in different ways in languages. Conditional construction are linguistic expressions consisting of dependent clause and base clause, one of which is called condition clause and the other is result clause. The subject of this article, according on the typological approach, examines the structural features of condition clauses and linkers of condition in the language of Pashai in the Pashai language, the common pattern conditioning is coming /ʔæjæ/ linker namely //ʔæjæ/ in Persian, but there is other linker words that form conditional sentences in the language of the Pashai. The first part of the article examines the unmarked construction of conditional sentences in Pashai language And in the second part, will be discussed the about the marked conditional sentences, it means lexical and semantic, The data presented in this article is like this, the text of Pashai language become phonetic, the examples has also been translated.

**Keywords:** languages of Afghanistan, compound sentences, conditional construction, Pashai language, word linker.



1. nasehnoorahman123@gmail.com

2. mdabirmoghaddam@gmail.com

**How to Cite:** Naseh, N., & Dabir moghaddam, M. (2023). Conditional construction in Pashai language. *Language and Linguistics*, 18(35),147-167. doi: 10.30465/lsi.2023.850313:29

## ساخت شرطی در زبان پشه‌ای

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
استاد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ناصح، نورالرحمن   
دبیرمقدم، محمد 

چکیده: تمام زبان‌های جهان ساخت جملات شرطی دارند، که در فرایند شرطی‌سازی به گونه‌ی مختلف رفتار می‌کنند. یعنی طبقه‌بندی ساخت شرطی در زبان‌ها به صورت مختلف شکل گرفته است، ساخت شرطی عبارت‌های زبانی متشکل از بند وابسته و بند پایه است که یکی را بند شرط و دیگری را بند نتیجه می‌نامند. موضوع این مقاله با توجه به رویکرد رده‌شناختی، به بررسی ویژگی‌های ساختاری بند شرط و پیوندواژه‌های شرط در زبان پشه‌ای پرداخته است، در زبان پشه‌ای الگوی رایج شرطی‌سازی آمدن پیوندواژه /*ʔæjæ* / «اگر» است، اما پیوندواژه‌های دیگری هم وجود دارد که جملات شرطی را در زبان پشه‌ای شکل می‌دهند. بخش اول مقاله ساخت بی‌نشان جملات شرطی در زبان پشه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش دوم به جملات شرطی نشان‌دار یعنی واژگانی و معنایی پرداخته خواهد شد. شیوه‌ی ارائه داده‌ها این‌گونه است، متن زبان پشه‌ای آوانویسی شده، مثال‌ها به زبان فارسی نیز برگردان شده‌اند تا در تحلیل داده‌ها مشکل ایجاد نشود. در پژوهش حاضر از نشانه‌های الفبای آوایی بین‌المللی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌های افغانستان، جملات مرکب، ساخت شرطی، زبان پشه‌ای، پیوندواژه.

## ۱ مقدمه

زبان پشه‌ای از جمله زبان‌های داردیک<sup>۱</sup> در خانواده‌ای هندوآریایی<sup>۲</sup> از زبان‌های هندو ایرانی<sup>۳</sup> است. زبان‌های داردیک به زبان‌هایی اطلاق می‌شود که عرض مناطق کوهستانی بین کوه‌های هندوکش تا مرزهای هند را دربرمی‌گیرد (لهر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴: ۱۰).

زبان پشه‌ای گویندگان زیادی در افغانستان دارد. نظر به تحقیق زبان‌شناسان این زبان عمدتاً دارای ساخت‌های قدیم زبان ایرانی بوده، کمتر تحول زبانی را شاهد بوده است. پشه‌ای از لحاظ رده‌شناختی پس‌اضافه قوی است. موقعیت جغرافیایی زبان پشه‌ای عمدتاً شرق افغانستان یعنی جنوب شرق و شمال شرق است، گویندگان آن به‌صورت گسترده در چهار استان کاپیسا، لغمان، کنر و ننگرهار زندگی می‌کنند، به‌صورت پراکنده زبان پشه‌ای در کل این کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد (کلمانی، ۱۳۸۴: ۳۵). از اینکه در افغانستان سرشماری دقیق در مورد زبان پشه‌ای صورت نگرفته است، به‌صورت قطعی نمی‌توان ارقام درست در مورد گویشوران این زبان ارائه کرد. ولی مورگنستیرین<sup>۵</sup> (۱۹۶۷: ۱)، زبان‌شناس نروژی استاد دانشگاه اسلو، نفوس زبان پشه‌ای را حدود ۴۵۰۰۰۰ نفر خوانده است. این زبان‌شناس و محقق زبان هندوایرانی، زبان پشه‌ای را به چهار گویش اساسی تقسیم کرده و گویشوران آن را به‌ترتیب ذیل مشخص نموده است. به اساس طبقه‌بندی موصوف پشه‌ای جنوب‌شرقی ۱۸۰۰۰۰ گویشور، جنوب‌غربی ۱۰۰۰۰۰ گویشور، شمال‌غربی ۷۰۰۰۰ و شمال‌شرقی ۵۴۴۰۰ گویشور.

در مورد زبان پشه‌ای کارهایی در موارد مختلف در افغانستان و ایران یعنی در حوزه زبان فارسی، و همچنین در حوزه زبان انگلیسی صورت گرفته است، از اینکه این زبان، زبان ناآشنا در محیط علمی و دانشگاهی است یعنی کار گسترده‌ای در آن صورت نگرفته است، می‌خواهم به بعضی کارهای انجام‌شده اشارات کوتاهی داشته باشم.

یکی از کارهای مهم که در مورد زبان پشه‌ای در منابع خارجی انجام شده، کار جوهانگ یون<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) است، یون در حال حاضر در دانشگاه علوم اجتماعی چیانگ‌مای در تایلند کار می‌کند. علایق تحقیقاتی یون به آموزش چندزبانانه مبتنی بر زبان مادری و هویت قومی مربوط می‌شود، او مطالعات و تحقیقات میان‌رشته‌ای در زمینه انسان‌شناسی فرهنگی، زبان‌شناسی اجتماعی و آموزش چندزبانانه را انجام می‌دهد. موصوف فرهنگ زبان پشه‌ای را

1. Dardic  
4. R. Lehr

2. Indo-Aryan  
5. G. Morgenstierne

3. Indo-Iranian  
6. Ju hong yon

ترتیب داده است که حدود هزار واژه دارد. یون فرهنگ زبان پشه‌ای را با ترجمه انگلیسی و پشتو کارکرده است بر علاوه تصاویر واژه‌ها را نیز درج فرهنگ نموده است. هرچند کار دقیق و علمی نیست به‌طور مثال واژه‌ها را آوانویسی نکرده است، در ضمن کار موصوف منحصر به یک روستا به اسم دره نور در استان ننگرهار است، اما منابع کارا در حد یک تحقیق معمولی در زبان پشه‌ای می‌تواند باشد. او در مورد زبان پشه‌ای تحقیقات زیادی انجام داده است یکی از کارهای مهم موصوف پشه‌ای جنوب شرقی است. که در مورد کار مهم دیگری که در زبان پشه‌ای در منابع خارجی انجام شده، کاری است تحت عنوان «دستور زبان توصیفی پشه‌ای: جامعه زبانی و گفتاری دره نور»

که توسط راشل لهر (۲۰۱۴) انجام شده است. راشل لهر این تحقیق را در گروه زبان‌شناسی دانشگاه شیکاگو در امریکا انجام داده است. او در طول دهه ۱۹۷۰-۱۹۸۰ به سراسر آسیای میانه چون افغانستان و تاجیکستان سفر کرده است. راشل در جریان این سفر علاقه زیادی به فرهنگ و هنر آن مناطق پیدا کرده است، نسبت همین علاقه رساله دکتری‌اش را در دستور توصیفی زبان پشه‌ای می‌نویسد، این کتاب راشل کتابی با حجم حدود ۵۰۰ صفحه‌ای فوق‌العاده ارزشمند در زبان پشه‌ای است. کار راشل متمرکز است بر دره نور، یکی از روستاهای استان ننگرهار افغانستان که به زبان پشه‌ای صحبت می‌کنند. این کتاب ویژگی‌های صوتی، صرفی و نحوی زبان پشه‌ای را دربرمی‌گیرد. بر علاوه ساخت دستوری زبان پشه‌ای، معلومات مفصلی در مورد ساحه کاربرد، رسم و رواج و برخی مسایل دیگر فرهنگی و تاریخی را نیز در خود جا داده است.

تحقیق مهمی که در مورد رده‌شناسی زبان پشه‌ای در منابع خارجی صورت گرفته، پژوهشی است که در گروه زبان‌شناسی دانشگاه استکهلم تحت عنوان «بررسی ریزرده‌شناسی (رده‌شناسی خرد) انواع پشه‌ای در افغانستان» به راهنمایی هنریک لیلیگرن (۲۰۱۹) انجام شده، هنریک زبان‌شناس و دانشیار گروه زبان‌شناسی در دانشگاه استکهلم سوئد است. او کار میدانی زیادی را در مورد زبان‌های منطقه هندوکش و قراقرم، رده‌شناسی و روابط خویشاوندی بین این مناطق، یعنی زبان‌های داردیک انجام داده است، موصوف در این تحقیق گویش‌های مختلف زبان پشه‌ای در افغانستان را از لحاظ تنوع آوایی، صرفی و نحوی بررسی کرده است، نویسنده، زبان پشه‌ای در افغانستان را به گویش شمال شرقی و شمال غربی، جنوب شرقی و جنوب غربی تقسیم کرده است موصوف در تحقیق که انجام

داده تفاوت‌های آوایی، صرفی و نحوی این گویش‌ها را مورد بررسی قرار داده است که از هر گویش نمونه‌های جدول‌وار ارائه کرده است.

در مطالعات رده‌شناسی زبان‌های موردنظر است که از نظر جغرافیایی به هم نزدیک نیستند ولی از نظر خویشاوندی با هم مرتبط باشند. رده‌شناسی کوچک<sup>۱</sup>، نوع از مطالعات رده‌شناسی است که در آن، گویش‌های متفاوت یک زبانی که از لحاظ جغرافیایی و خویشاوندی باهم نزدیک باشند مورد بررسی قرار می‌گیرد (لیلیگرن، ۲۰۱۹: ۶).

رده‌شناسی شاخه‌ای است از علمی که به دسته‌بندی پدیده‌های مورد مطالعه می‌پردازد. سابقه این شاخه علمی به زیست‌شناسی و روان‌شناسی باز می‌گردد. دسته‌بندی‌های همچون پستانداران، بی‌مهرگان، شکم‌پایان و نرم‌تنان در زیست‌شناسی نمونه‌های بارز و آشنایی از دسته‌بندی هستند. در زبان‌شناسی این شاخه مطالعاتی با عنوان «رده‌شناسی زبان»<sup>۲</sup> و «رده‌شناسی زبان‌شناختی»<sup>۳</sup> مصطلح است که به اختصار رده‌شناسی<sup>۴</sup> گفته می‌شود. رده‌شناسی زبان مطالعه نظام‌مند تنوع بین زبان‌ها است (دبیرمقدم، ۱۳۹۳: ۲). در مطالعات رده‌شناسی بررسی‌های بین زبانی اهمیت بیشتر دارد. رده‌شناسی زبان در پنجاه سال اخیر رشد بسیاری داشته است، تا آنجاکه زبان‌شناسان، در کنار رویکردهای غالبی مانند صورت‌گرایی و زبان‌شناسی شناختی، از رویکرد سومی به نام زبان‌شناسی - نقشی رده‌شناختی یاد می‌کنند (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۲۰۲).

چنان‌که تذکر داده شد کارهایی هم در حوزه ایران و افغانستان روی زبان پشه‌ای صورت گرفته است که به مواردی از آن در ذیل به صورت مختصر اشاره می‌شود. غمجن (۱۳۹۹)، ناصح (۱۳۹۷)، کلمانی (۱۳۸۹ الف)، کلمانی (۱۳۸۹ ب)، بینوا (۱۳۸۷)، کلمانی (۱۳۸۴) در افغانستان و کهنگی (۱۳۹۸)، در ایران را نام برد. اما تا آنجایی که نگارنده آگاهی دارد، هیچ تحقیق مشخصی در مورد ساخت جملات شرطی در زبان پشه‌ای صورت نگرفته است. بیشتر به مواردی چون جغرافیای کاربردی زبان، واج‌ها، فلکلور و غیره توجه شده است. نگارنده به عنوان زبان‌شناس و گویشور زبان پشه‌ای به مطالعه روی این موضوع پرداخته است.

روش پژوهشی مقاله کنونی میدانی و توصیفی است. داده‌های طبیعی زبان به صورت دست اول از گویندگان جمع‌آوری و ثبت شده و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. با

1. micro-typology  
3. linguistic typology

2. language typology  
4. typology

توجه به اینکه پایان‌نامه دوره کارشناسی نگارنده درمورد ادبیات شفاهی در زبان پشه‌ای بوده و همین‌طور رساله کارشناسی ارشد خود را نیز در مورد دستور زبان پشه‌ای انجام داده است، در جستجوهای نگارنده روی این زبان، چنان‌که تذکر داده شد، چیزی به عنوان ساخت شرطی<sup>۱</sup> در زبان پشه‌ای یافت نشد.

اما ساخت شرطی در زبان‌های جهان به صورت گسترده مورد بررسی قرار گرفته و بحث‌های زیادی در این مورد انجام شده است. پهنای این بحث در جهان خیلی گسترده و به زبان‌های مختلف است. به‌طور نمونه می‌توان از این نویسندگان یاد کرد: کرک<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۳)، هگمن<sup>۳</sup> (۲۰۰۳)، تامسون<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۷) و ابرت<sup>۵</sup> (۲۰۰۸).

در حوزه زبان فارسی نیز ساخت شرطی دامنه گسترده دارد، از دستورنویسان سستی گرفته تا امروز کارهای زیادی روی این موضوع صورت گرفته است. در ایران می‌توان از کارهایی نظیر رستمی (۱۳۸۹)، ابن‌الرسول و همکاران (۱۳۹۵)، بقایی و نغزگوی کهن و (۱۳۹۸)، میرزائی (۱۳۹۹ الف و ب) نام برد. در افغانستان نیز در مورد ساخت شرطی به زبان فارسی دری و پشتو کارها و پژوهش‌هایی صورت گرفته است. که از جمله آن‌ها می‌توان به کارهای یمین (۱۳۹۴) و فرخاری (۱۳۸۶) در زبان فارسی و بنزل<sup>۶</sup> (۱۳۸۹) و زیار (۱۳۸۴) در منابع پشتو اشاره کرد.

وقتی از ساخت شرطی حرف می‌زنیم، درواقع با رابطه‌ای علی - معلولی در جمله مرکب سروکار داریم که به صورت ساخت شرطی بروز پیدا می‌کند. در زبان فارسی این ساخت مثل اکثر زبان‌های دیگر با پیوندواژه‌ها نشان داده می‌شود. که بند اول را بند شرط و دوم را بند نتیجه می‌نامیم. مجموعه این دو بند ساخت شرطی را تشکیل می‌دهند. در ساخت شرطی فقره وابسته معمولاً شرط وقوع فعل در فقره هسته است و فقره هسته جواب شرط را تشکیل می‌دهد (یمین، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

آنچه که در جملات شرطی نقش اساسی را انجام می‌دهد، کاربرد پیوندواژه است که از لحاظ معنایی مبین مفاهیم دو بند ساخت شرطی است (الهام بنزل، ۱۳۸۹: ۳۹۸). درواقع، ساخت‌های شرطی عبارت‌های زبانی متشکل از بندی وابسته و بندی پایه هستند که وقوع پدیده یا وضعیتی را به وقوع پدیده یا وضعیتی دیگر مشروط می‌سازند (کییری و درزی، ۱۳۹۴: ۳۱)، یعنی ساخت شرطی از دو بند تشکیل شده است؛ یکی بند شرطی و دیگر بند

1. conditional construction  
4. G. Thompson

2. R. Quirk  
5. C. Ebert

3. L. Haegeman  
6. penzl

اصلی که به آن نتیجه شرط یا تالی هم می‌گویند (میرزائی، الف، ۱۳۹۹: ۳۲۴). جملات شرطی در زبان فارسی نوعاً با نشانه شرطی «اگر» به کار می‌روند. از این گذشته، نشانه‌های شرطی در قالب گروه‌های واژگانی نیز استفاده می‌شود (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۴: ۴۷). از جمله‌های شرطی برای بیان موقعیت‌های حقیقی، فرضی، ضدحقیقی و جز آن استفاده می‌شود، این جملات به‌طور مستقیم بازتاب توانایی گوینده در به‌دست‌آوردن استدلال در مورد موضوع‌های جایگزین، نامعلوم و احتمالات تحقق‌نیافته است در ساخت‌های شرطی می‌توان به وجود دو رابطه سببی و منطقی اشاره کرد. (نغزگوی کهن و بقایی، ۱۳۹۹: ۳۱۶). زبان پشه‌ای نیز همانند زبان فارسی که پیوندواژه «اگر» در آن استفاده می‌شود، با پیوندواژه /ʔæjæ/ به‌صورت گسترده ساخت شرطی را بازنمایی می‌کند. اما در مواردی در این زبان پیونددهنده‌های دیگری نیز هستند که ساخت شرطی می‌سازند که در جایش به‌صورت منظم به آن‌ها پرداخته خواهد شد. نمونه‌های زیر ساخت شرطی در زبان پشه‌ای‌اند:

1- ʔæjæ	ʔædʒalō <sup>1</sup>	cæri	cur <sup>2</sup> om	xærab	bi-pæræj
اگر	عجله	کنی	کار	خراب	می‌شود
اگر عجله کنی کار خراب می‌شود					
2- ʔæjæ	tænō	ʔi	ʔōŋjæ	jæxʃalæ-dʒē <sup>3</sup>	ʃi
اگر	تشنه	هستی	آب	در-یخچال	است
اگر تشنه هستی آب در یخچال است					

واج /ʔ/ که در مثال شماره (۱) به کار رفته، یکی از واج‌هایی است که در زبان پشه‌ای و پشتو مشترک است. این واج به‌صورت گسترده در واژه‌های اصیل زبان پشه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است (بینوا، ۱۳۸۷: ۵).

واج‌های /ē/ یای مجهول و /ō/ واو مجهول دو واجی‌اند که در گونه معیار فارسی افغانستان و زبان پشه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. این دو واج بازمانده دوره میانه زبان فارسی‌اند (یمین، ۱۳۷۶: ۵۶).

نمونه (۱) فوق همان نمونه بی‌نشان ساخت شرطی در زبان پشه‌ای است، یعنی با پیونددهنده /ʔæjæ/ «اگر» آمده است. که بند اول آن بند شرط و بند دوم آن بند نتیجه است.

1. /ō/ واو مجهول است که در زبان‌های شرقی ایرانی و در پشه‌ای وجود دارد.

2. /ʔ/ این واج در زبان پشه‌ای کاربرد دارد. در هنگام تلفظ این واج قسمت وسط زبان به کام می‌چسپد و سنگین‌تراز واج /r/ در زبان فارسی تلفظ می‌شود.

3. /ē/ یای مجهول است که در زبان فارسی افغانستان و دیگر زبان‌های شرق ایرانی از جمله زبان پشه‌ای کاربرد دارد.

نمونه شماره (۲) نیز ساخت بی‌نشان است؛ با این تفاوت که معنای گزاره‌ای در بند تالی صادق است. یعنی در هر صورت آب داخل یخچال است.

3- cesi ce dærs næ-xandʒaj ?emtehanæ-dʒē camejab na-bæj  
 نمی‌شود کامیاب در-آزمون خوانده-نه درس که کسی  
 کسی که درس نخوانده باشد در آزمون موفق نمی‌شود.

نمونه (۳) ساخت شرطی نشان‌دار است. زیرا در زبان پشه‌ای کم اتفاق می‌افتد که با چنین پیوندواژه‌ای ساخت شرطی بازنمایی شود.

## ۲ چارچوب نظری

تامپسون و همکاران (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان بندهای قیدی در بخش نخست بررسی خود به توصیف ویژگی‌های رده شناختی انواع بندهای قیدی از جمله بندهای شرطی می‌پردازند آنها در بررسی رده شناختی ساخت‌های شرطی، رفتار معنایی، رفتار نحوی و ساختار جملات شرطی و همچنین ساخت‌های شرطی منفی و شرطی انتظاری<sup>۱</sup> را مورد توجه قرار می‌دهند. تامپسون و همکاران (۲۰۰۷) (۲۵۵-۲۵۶) در بررسی معنایی ساخت‌های شرطی جملات شرطی را بر اساس امکان وقوع آن به دو گروه کلی شرط واقعی<sup>۲</sup> و غیرواقعی<sup>۳</sup> تقسیم می‌کنند. در این تقسیم بندی شرط واقعی به سه گروه شرط واقعی حال معمول<sup>۴</sup> و گذشته تقسیم می‌شود و شرطی‌های غیر واقعی در دو گروه تخیلی<sup>۵</sup> و پیش بین<sup>۶</sup> دسته بندی می‌شوند. منظور از شرطی‌های تخیلی رخدادهایی هستند که در زمان حاضر به هیچ عنوان امکان وقوع ندارد و خود به دو گروه ممکن و ناممکن (خلاف واقع<sup>۷</sup>) تقسیم می‌شوند. شرط پیشبین موقعیتی فرضی را به تصویر میکشد که در آن وضعیت، اگر شرایط مطرح در بند شرط رخ دهد نتیجه معرفی شده در بند تالی می‌تواند محقق شود. در بررسی رفتار نحوی جملات شرطی تامپسون و همکاران از یک‌سو توالی بند مقدم و تالی و حضور پیوندواژه شرط در زبان‌های مختلف را مورد توجه قرار می‌دهند و از سوی دیگر امکان بازنمایی مفهوم شرط در عبارات اسمی و در قالب بندهای زمان را بررسی می‌کنند. در موضوع شرط منفی تامپسون و همکاران (۲۰۰۷) به رفتار متفاوت زبان‌ها اشاره می‌کنند و بیان می‌دارند که برخی زبان‌ها مانند زبان انگلیسی که از واژه *unless*

1. concessive conditionals

2. reality conditional

3. unreality conditionals

4. habitual

5. Imaginative

6. predictive

7. counterfactual



استفاده می‌کند، تکواژ مستقل و مشخصی برای بیان این مفهوم در امکانات زبانی خود دارند. بررسی رفتار معنایی و نحوی بندهای مقدم و تالی در این گونه جملات از موضوعات مطرح مورد بررسی در این مقاله‌اند.

در بخش نخست این مقاله به بررسی و توصیف ویژگی‌های رده‌شناختی، با پیوندواژه /*ʔæjæ*/ «اگر» پرداخته شده و در ادامه به انواع بندهای قیدی که بازگوکننده بند شرطی‌اند پرداخته شد و به‌صورت واضح شرح داده خواهند شد. جملات مورد استفاده در این تحقیق بر علاوه شم‌زبانی نگارنده از الگوهای رایج و روزمره گویندگان ثبت شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

### ۳ بازنمایی جملات شرطی در زبان پشه‌ای

زبان پشه‌ای به‌عنوان زبان داردیک و یکی از زبان‌های آریایی شرقی، ساخت‌های بند شرطی را در خود دستوری کرده است. این ساخت با درنظرداشتن ویژگی‌های خاص خود زبان پشه‌ای، در کل از لحاظ معنایی و ساختاری در حالت بی‌نشان نزدیک به ساختار زبان فارسی است. در این تحقیق کوشیده شده است به‌دلیل وضوح موضوع در مواردی به وجوه افتراق و و مشابهت‌های ساخت شرطی زبان پشه‌ای با فارسی پرداخته شود.

در زبان پشه‌ای بند شرط می‌تواند در هر دو جایگاه موضوع و افزوده قرار گیرد. چنان‌که می‌دانیم، بند «نتیجه» در جملات شرطی بند پایه است و بند شرط به‌عنوان بند افزوده مطرح است، بنابراین می‌تواند بند با توجه به افزوده‌بودن از جمله حذف شود و جمله حاصل دستوری باشد. به‌طور مثال، به نمونه زیر توجه می‌کنیم:

4- ʔæjæ	ʔvu	væqtæ	amadō	næ- bæj,
اگر	نان	سر وقت	آماده	شود - نه
ʔævætejar-ji	xæstō	cævaj		
گی - گرسنه	خسته	می‌کند		

اگر غذا سر وقت آماده نشود، گرسنگی خسته می‌کند.

با درنظرداشتن بحث فوق، جمله زیر که تک‌جمله پایه‌ای مثال چهار است، دستوری است.

5 ʔævætejar-gi	xæstō	cævaj
گرسنگی	خسته	می‌کند

گرسنگی خسته می‌کند.

قابل تذکر است در موارد فوق در ساختار جمله‌های شرطی فاعل بند پایه و پیرو یکی

است. در این صورت، وقتی بند شرط یا افزوده را حذف می‌کنیم، بند پایه فاعل محذوف داشته و به مخاطب شناخته شده است. طبق مثال ذیل:

6.  $\text{ʔæjæ cetabæ-dē pōf næ-cærav ʔæz-bæn pærēwan}$   
 خواهند رفت بین-از کنیم-نه پوش را - کتاب‌ها اگر  
 اگر کتاب‌ها را جلد نکنیم از بین خواهند رفت.

در نمونه (۶) بند نتیجه فاعل محذوف دارد که در مثال (۷) نشان داده شده است.

7-  $[\text{cetabæ}] \text{ʔæz-bæn pærēwan}$   
 خواهند رفت بین-از کتاب‌ها

[کتاب‌ها] از بین خواهند رفت.

کتاب فاعل جمله نتیجه‌ای شماره (۶) است؛ شرایطی که دقیقاً با زبان فارسی هم‌سانی دارد.

### ۳-۱ ساخت شرطی با پیوندواژه /ʔæjæ/ «اگر» در زبان پشه‌ای

/ʔæjæ/ «اگر» یکی از پیوندواژه‌هایی است که بیشترین کاربرد را در ساخت شرطی دارد، اما در گویش‌های مختلف به صورت «اگر» /ʔæjær/ هم استفاده شده است. در زبان پشه‌ای این پیوندواژه به صورت‌های مختلف در بند شرط توصیف می‌شود، که با توصیف‌کننده‌های متفاوت مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نمونه‌های زیر از مثال‌های زبان پشه‌ای توجه کنیم.

8-  $\text{ʔæjær tʃe mōj axer-dʒ pēdʒōj ʔæma hogugæ-}$   
 اگر چه برج به-آخر رسید اما حقوق  
 $\text{dē pærdaxt næ-cæfʃec}$   
 را پرداخت نکرده‌اند - نه

اگر چه برج به آخر رسید، اما حقوق را پرداخت نکرده‌اند.

چنان‌که مشاهده می‌شود جمله فوق با آمدن توصیف‌گر «چه» به گونه شرط انتظاری عمل کرده است. این وضعیتی است که تامسون و همکاران (۲۰۰۷) از چنین بازنمون ساخت شرطی در زبان‌ها صحبت کرده‌اند. هم‌چنان پیوندواژه در این مثال پشه‌ای به صورت /ʔæjær/ «اگر» ظاهر شده است.

در موارد دیگر از استفاده بند شرط با قید «حتی» است. به نمونه زیر توجه کنیم:

9-  $\text{hæta ʔæjæ na væg bæj bajæd ceʔæma færa jædæv}$   
 برویم سر کار باید شود وقت نا اگر حتی

حتی اگر دیر شود، باید سر کار برویم.

چنان‌که در مثال (۹) می‌بینیم، بند اصلی جمله «باید سر کار برویم» با قید «حتی» وانمود

می‌کند که با وجود دیر شدن برنامه کار پابرجاست. در این جمله پیوندواژه با قید «حتی» آمده است. نمونه زبان پشه‌ای نشان می‌دهد که پیوندواژه به صورت /*ʔæjæ*/ «اگر» آمده است. درحالی که در مثال (۸) پیوندواژه که با توصیف‌گر «چه» به کار رفته بود به صورت /*ʔæjæ*/ «اگر» ظاهر شده است.

پیوندواژه «اگر» می‌تواند با توصیف‌کننده‌هایی به کار رود که رویداد بند نتیجه را در زبان محدود می‌کند. به نمونه زیر توجه کنیم:

10- *cēvalæ ʔæjæ ahmæd jæj, ja curom Bipæraj*  
تنها اگر احمد بیاید این کار می‌شود

تنها اگر احمد بیاید، این کار انجام می‌شود.

چنان‌که در مثال فوق دیده می‌شود، قید /*cēvalæ*/ «تنها» رویداد بند نتیجه را محدود بر احمد کرده است. کاربرد پیوندواژه /*ʔæjæ*/ با این توصیف‌کننده غیرمقید است. یعنی در زبان پشه‌ای پیوندواژه می‌تواند به صورت /*ʔæjæ*/ بیاید یا به شکل /*ʔæjæ*/ درحالی که مثال‌های (۹ و ۸) چنان‌که تذکر رفت مقید بودند، یعنی محدودیت صورت‌های مختلف کاربرد /*ʔæjæ*/ و /*ʔæjæ*/ را داشتند.

اما چنان‌که در ابتدا اشاره شد، ساختار جملات شرطی در زبان پشه‌ای به صورت گسترده با پیوندواژه /*ʔæjæ*/ «اگر» اتفاق می‌افتد. که در نمونه‌های زیر با توضیح بیشتر شرح داده می‌شود.

11- *ʔæjæ baran nē- bæj, dōr sævūz bipæræn*  
اگر باران می‌شد- می‌کوه‌ها سوز می‌شدند

اگر باران می‌شد، کوه‌ها سبز می‌شدند.

در مثال فوق چنان‌که دیده می‌شود، زمان هردو بند گذشته جاری است، با این توضیح می‌توان استدلال کرد که زمان‌بندی‌های ساخت شرطی می‌تواند در زبان پشه‌ای یکی باشند.

12- *ʔæjæ ma-dē xæstō cæfʃec-æm, mō-dē bæxfajdæ*

اگر شما را- من - کرده خسته را- شما اگر عفو کنید

اگر شما را خسته کرده‌ام، من را عفو کنید.

با توجه با مثال فوق زمان بند شرط کامل و زمان بند نتیجه حال است، فاعل در بندهای ساخت شرط شماره (۱۲) متفاوت است. در بند شرط فاعل جمله محذوف است.

اما با شناسه /*æm*/ قابل دریافت است. که /*mō*/ «من» است. در بند نتیجه هم چنان فاعل جمله محذوف است. که /*ma*/ «شما» است. به سخن دیگر، مفعول صریح جمله شرط، فاعل جمله نتیجه و مفعول صریح جمله نتیجه، فاعل جمله شرط است.

13 ?æjæ tancæ-dē mæsʔul ni-dijav, ja-dævl, çrom-ni

اتفاق-ی چنین- این دانستیم- می مسئول را-خود اگر  
suræt næ- jerēt.  
گرفت-نمی صورت

اگر خود را مسئول می دانستیم، این چنین اتفاقی صورت نمی گرفت.  
در جمله (۱۳) ساخت شرطی فوق، بند شرط و نتیجه از لحاظ زمان با هم مطابقت دارند. یعنی زمان هر دو بند زمان گذشته استمرار است. فاعل دستوری در هر دو بند مرجع یکسان دارد، در بند اول فاعل جمله بر مبنای شناسه فعل /*dijav*/ «دانستن» /*æma*/ «ما» است، در بند دوم با قرینه بند اول محذوف است. به خاطر وضوح موضوع می توان جمله (۱۳) را به شکل زیر نوشت:

14- ?æjæ æma tancæ-dē mæsʔul ni-dijav,

دانستیم- می مسئول را-خود ما اگر  
ja- dævl çrom-ni æma-yæ suræt næ- jerēt  
گرفت-نمی صورت برای- ما ی- اتفاق چنین-این

اگر ما خود را مسئول می دانستیم، چنین اتفاقی برای ما صورت نمی گرفت.  
حال می توان فاعل هر دو جمله را به صورت زیر مشاهده کرد، با توجه به مثال فوق چنین می توان استدلال کرد که زبان پشه ای به صورت بالقوه ضمیرانداز<sup>۱</sup> است.  
پارامتر ضمیراندازی یعنی اینکه زبان ها از بین دو ارزش یا دو وضعیت پارامتری یکی را انتخاب کنند. به طور مثال، در زبان فارسی، «آمدم» که در آن ضمیر فاعلی محذوف است یک جمله دستوری است. اما *came* در انگلیسی، به عنوان برگردان جمله فوق، جمله دستوری نیست و الزاماً باید به صورت *I came* یعنی با حفظ ضمیر فاعلی باشد، چون زبان انگلیسی جزو زبان های ضمیرناانداز<sup>۲</sup> است (دبیرمقدم، ۱۳۹۸: ۴۱۹).

15 - ?æjæ bē -ehtejati nē - cæræv, bæda ʒod bijanæn.

بودیم افتاده حال کردیم-می احتیاطی-بی اگر  
اگر بی احتیاطی می کردیم، حال افتاده بودیم.

در ساخت شرطی فوق زمان هر دو بند گذشته است، اما بند شرط گذشته جاری و بند نتیجه زمان گذشته مطلق دارد. فاعل در هر دو بند محذوف است. نسبت به شناسه ها می توان فاعل مورد نظر را دریافت که در جمله فوق /*æma*/ «ما» است.

16 - ʔæjæ særmajō ceʃvæŕ-æs bērenæ pæræj,  
 شود بیرون از-کشور سرمایه اگر  
 tæværum ɖajin bipæræj.  
 می‌شود بیشتر تورم

اگر سرمایه از کشور بیرون شود، تورم بیشتر می‌شود.

در جمله فوق زمان ساخت شرطی هر دو بند حال است، بند شرط نمود حال التزامی و بند نتیجه نمود حال استمراری است. قابل ذکر است زبان پشه‌ای پس‌اضافه قوی است. پیشینه «از» فارسی در آخر واژه کشور /*ceʃvæŕ-æs* «از کشور» به گونه */æs/* در آخر اسم آمده است. چنان‌که دیده می‌شود، فاعل بند پایه و پیرو در ساخت شرطی شماره (۱۶) یکی نیست. فاعل دستوری بند شرط /*særmajō* «سرمایه» است و فاعل دستوری بند نتیجه /*tæværum* است. با این وضع به‌طور خلاصه می‌توان در مورد بندهای ساخت شرط در زبان پشه‌ای چنین نتیجه گرفت.

با در نظر داشتن مثال‌های (۱۱-۱۶) ساخت شرطی می‌تواند در زمان‌های مختلف در زبان پشه‌ای بازنمایی شود. و هم‌چنین می‌تواند فاعل جمله پایه و پیرو یکی باشد یا متفاوت. چنان‌که در مثال‌ها دیدیم، فاعل می‌تواند در هر دو بند محذوف باشد، یا در هر دو بند ظاهر شود یا اینکه بر مبنای قرینه در بند پایه یا بند نتیجه محذوف باشد.

#### ۴ جایگاه بند شرط

جایگاه بند شرطی در زبان پشه‌ای متفاوت است، می‌تواند در ابتدای ساخت شرط، وسط یا در انتهای ساخت شرطی به‌کار رود. به نمونه‌های زیر توجه کنیم:

17 - muvæfæq bi-ʔædæv, ʔæjæ tælfæsæn-dē  
 موفق می‌شویم اگر را-تلاش خود  
 ʔedamō dava.  
 ادامه دهیم

موفق می‌شویم اگر تلاش خود را ادامه دهیم.

در جمله فوق می‌بینیم که بند شرط /*tælfæsæn-dē ʔedamō dava* «تلاش خود را ادامه دهیم» در انتهای ساخت شرطی آمده است و بند نتیجه «ما موفق می‌شویم» در ابتدای ساخت شرطی به‌کار رفته است. زمان هر دو بند زمان حال است. فاعل هر دو بند یکی است (ما) که در بند نتیجه بر مبنای شناسه‌ای به‌کار رفته در فعل، حذف است. ساخت بی‌نشان جمله ۱۷ به‌صورت زیر خواهد بود:

18 - ʔæjæ tæɫɫʃæsæn- dē ʔedamō dava,  
 اگر را - تلاش خود ادامه دهیم  
 muvæfæg bi-ʃædæv  
 موفق شویم-می

اگر تلاش خود را ادامه دهیم، موفق می شویم.

یعنی در مثال فوق بند شرط ابتدا آمده است و بند نتیجه در انتهای ساخت شرطی استفاده شده است. با توجه به مثال فوق در زبان پشه‌ای این امکان وجود دارد که بند شرط در ابتدای ساخت شرطی بیاید یا در انتها. اما نمونه (۱۹):

19 - ʔæma ʔæjæ tæɫɫʃæsæn- dē ʔedamō dava,  
 ما اگر خود را تلاش ادامه دهیم  
 muvæfæg bi-ʃædæv  
 موفق شویم-می

ما اگر تلاش خود را ادامه دهیم، موفق می شویم.

در مثال (۱۹) به نحوی، با توجه به آمدن «ما» در ابتدای ساخت شرطی، می توان گفت که بند شرط در وسط ساخت شرطی قرار گرفته است. که ساخت بی نشان آن می شود مثال زیر:

20 - ʔæjæ tæɫɫʃæsæn- dē ʔedamō dava,  
 اگر را - تلاش خود ادامه دهیم  
 ʔæma muvæfæg bi-ʃædæv  
 ما موفق شویم-می

اگر تلاش خود را ادامه دهیم ما موفق می شویم.

با توجه به مثال‌های ۱۷ - ۲۰ اجزای ساخت شرطی می توانند در جایگاه نخست، وسط و انتها جملات شرط مورد استفاده قرار گیرند.

## ۵ ساخت‌های شرطی نامتعارف

ساخت شرطی در حال نامتعارف از دو بند مقدم و تالی تشکیل شده که معمولاً بند مقدم همراه با پیوندواژه ظاهر می شود. تامپسون و همکاران (۲۰۰۷: ۲۵۸-۲۵۷) علاوه بر صورت رایج ساخت‌های شرطی به مواردی اشاره می کنند که در آن‌ها بند موصولی و بند قید زمان می توانند کارکرد شرطی داشته باشند. بررسی داده‌ها نشان می دهد که در زبان پشه‌ای ساخت‌های دیگر همچون فوق وجود دارند که می توانند مفهوم شرط را منتقل کنند.

### ۵-۱ مفهوم شرط در بند زمان

زبان‌های وجود دارند که حالت زمان و شرط در آن‌ها به صورت همانند بازنمایی می‌شوند. یعنی جمله استفاده شده می‌تواند هم‌زمان بازگوکننده مفهوم زمان و شرط باشد، در زبان پشه‌ای نیز چنین ساختی وجود دارد، در این زبان، چنان که آمد، بند شرط با پیوندواژه */pæjæ/* «اگر» مشخص می‌شود. اما ممکن است که ساخت شرطی با پیوندواژه بیاید که مبین مفهوم زمان و شرط هم‌زمان باشد. به نمونه زیر توجه کنیم:

21 - hær comal ce ʔæsæbani bæv,  
 هر گاه که عصبانی شویم  
 cuʔum xærab bi-pætu.  
 کار خراب می‌شود

هرگاه که عصبانی شویم، کار خراب می‌شود.

اگر به دقت به جمله فوق نگاه کنیم، موضوع شرط بیان شده است. «عصبانی شدن» عاملی است که نتیجه می‌شود خراب شدن کار. این جمله می‌تواند به گونه متعارف نیز به ساخت شرطی تبدیل شود. طبق نمونه زیر:

22 - ʔæjæ ʔæsæbani bæv, cuʔum xærab bi-pætu.  
 اگر عصبانی شویم کار خراب می‌شود

اگر عصبانی شویم، کار خراب می‌شود.

23 - hæmēfō baran lænjet, donja jase pæræj  
 همیشه باران بیارد دنیا می‌شود بوسیده

همیشه باران بیارد، دنیا بوسیده می‌شود.

نمونه (۲۳) نیز مانند نمونه (۲۲) موضوع شرط را بیان کرده است. به نحوی شرط بوسیده شدن زمین، باریدن باران متواتر است. این ساخت را نیز می‌توان با آوردن */pæjæ/* «اگر» مانند جمله (۲۲) ساخت بی‌نشان شرط ساخت، قید */hæmēfō/* «همیشه» به راحتی می‌شود بعد از پیوندواژه */pæjæ/* «اگر» حذف شود. به طور مثال، نمونه (۲۳) ساخت شرطی بی‌نشان است.

24 - ʔæjæ baran mutævater lænjet, donja jase pæræj  
 می‌شود بوسیده دنیا بیارد متواتر باران اگر

اگر باران متواتر بیارد دنیا بوسیده می‌شود.

هم‌چنان می‌توان پیوندواژه */pæjæ/* «اگر» را با قید */hæmēfō/* «همیشه» یعنی هردو را در آغاز آورد و در نتیجه جمله دستوری ساخت شرطی شکل گیرد.

25 - ʔæjæ hæmēʃō baran lænjɛt, donja ʃasɛ pæraj  
 می‌شود بوسیده دنیا بیارد باران همیشه اگر  
 اگر همیشه باران متواتر بیارد دنیا بوسیده می‌شود.

## ۵-۲ مفهوم شرط در بند موصولی

ساخت موصولی تحت شرایطی می‌تواند مفهوم شرط را القا کند. با آنکه ساخت موصولی دارای هسته اسمی و بند توصیفی است. مجموع حاصل یعنی ساخت موصولی، در جمله اصلی در هر نقش و جایگاهی ظاهر می‌شود (میرزائی، ۱۳۹۹: ۱۵). اما می‌تواند شرط را در خود تبارز دهد. از لحاظ نحوی جملات بند موصولی می‌توانند یکی از سازه‌های موضوع برای فعل باشند. بند موصولی بند پیروی است که از یک بند توضیحی تشکیل شده و اطلاعاتی در خصوص هسته بند پایه ارائه می‌دهد. بند موصولی توصیفی، هسته اسمی را توصیف و طیفش را محدود می‌کند. حضور هسته‌نمای "ی" موصولی در کنار هسته اسمی، بند را محدود به مصداق می‌کند. بند موصولی گرچه افزوده‌ای برای هسته‌اش است و حذف آن خللی در دستوری بودن جمله ایجاد نمی‌کند، اما حذف بند موصولی توصیفی موجب تغییر معنا می‌شود.

بررسی داده‌های زبان پشه‌ای نشان می‌دهد که ساخت موصولی در شرایطی می‌تواند مفهوم شرط را بیان کند.

26 - cesi ce ɖajin nemrō emtehanæ-dʒē ʃerɛt,  
 کسی که زیاد نمره در-آزمون بگیرد  
 nemræ ʔævæle senfæs bi- pæraj  
 نمره اول کلاس می‌شود

کسی که نمره بیشتر در آزمون کسب کند، اول نمره کلاس خواهد بود. چنان‌که در مثال فوق می‌بینیم، مفهوم شرط به‌وضوح در این جمله بیان شده است. می‌دانیم که بند پایه نتیجه بند شرط در جملات شرطی است که در نمونه فوق نیز شرط و نتیجه شرط، بیان شده است. یعنی /cesi ce ɖajin nemrō emtehanæ-dʒē ʃerɛt/ «کسی که نمره خوب در آزمون بگیرد» ساخت موصولی است که مبین مفهوم بند شرط است و /nemræ ʔævæle senfæs bi-pæraj/ «اول نمره کلاس می‌شود» بیان‌کننده بند نتیجه است.

جمله فوق را می‌توان به‌سادگی به حالت بی‌نشان ساخت شرطی درآورد.

27- ʔæjæ cesi emtehanæ-dʒē ɖajin nemrō-dē ʃerɛdē,  
 بگیرد را-نمره زیاد در-آزمون کسی اگر  
 nemræ ʔivæle senfæs bi- pæraj.  
 نمره اول کلاس می‌شود- می



اگر کسی نمره بلند را در آزمون بگیرد، اول نمره کلاس خواهد شد.  
 28 - hær ce ce bōtē ta axere særæcæs ræv  
 هر کسی که بتواند تا انتهای خیابون انتهای  
 pēdet, đʒajezō næsib bi-pæræj.  
 می‌شود نصیب جایزه برسد

هرکسی که بتواند تا انتهای خیابان زود برسد، جایزه نصیب می‌شود.  
 نمونه فوق نیز با آنکه دارای ساخت موصولی است اما مفهوم شرط را بیان کرده است.  
 یعنی «هرکسی بتواند تا انتهای خیابان بدود» بند شرط و بند نتیجه آن می‌شود «جایزه نصیب می‌شود». هم‌چنان‌که این جمله را می‌توان به راحتی به ساخت شرطی بی‌نشان تغییر داد.  
 قابل یادآوری است، یکی از تغییرات آوایی منظم با در نظر داشتن زبان فارسی، که در زبان پشه‌ای صورت گرفته است، به جای واج /æ/ «ه» زبان فارسی، در زبان پشه‌ای واو مجهول /ō/ «و» استفاده می‌شود. مانند واژه‌های زیر:

/hæmēfō/ همیشه

/xæastō/ خسته

/destō/ دسته

/pæjsō/ پیسه (پول)

قابل ذکر است این گونه تغییرات آوایی کاملاً به صورت منظم در واژه‌های زبان پشه‌ای با در نظر داشتن زبان فارسی در اکثریت واژه‌ها اتفاق افتاده است.

## ۶ مفهوم شرط در قالب عبارات

با توجه به اینکه در زبان پشه‌ای تاکنون کار مناسب و درخور یک تحقیق همه جانبه، در ساخت شرطی صورت نگرفته است، جا دارد مفهوم شرط در عبارت در ساخت شرطی مورد بررسی قرار گیرد، یعنی در ادامه بحث به عباراتی پرداخته می‌شود که مفهوم شرط را بیان می‌کنند.

29 - længecæ- dʒē, væsajel xu vodē bæn.  
 شوند برداشته باید وسایل در- صورت باران

در صورت بارش، وسایل باید برداشته شوند.

چنان‌که در جمله (۲۹) می‌بینیم، مفهوم شرط در عبارت نهفته است یعنی عبارت /længecæ- jē/ «در صورت بارش» بند شرط است و /væsajel xu vodē bæn/ «وسایل باید برداشته شوند» بند نتیجه. این جمله به سادگی می‌تواند به صورت بی‌نشان، یعنی با آوردن /pæjæ/ «اگر»، ساخت شرطی را شکل دهد. طبق نمونه زیر:

30 -      ʔæjæ      lænʒecæ      bæj,      væsjel      wodē      bæn.  
            اگر              باران              شود              وسایل              برداشته              شوند

اگر باران شود وسایل باید برداشته شوند.

31 -      lænʒecæ              dovasæ-ɖʒe,      ʒecar      xub      æjtōn.  
            بارانی              در - روز              شکار              خوب              میایند

در روز بارانی، خوب شکار می‌آید.

در جمله فوق */lænʒecæ dovasæ-ɖʒe/* «در روز بارانی» عبارت است که در جایگاه بند شرط قرار گرفته است. و */ʒecar xub æjtōn/* (شکار خوب می‌آید) بند نتیجه است. جمله (۳۱) نیز می‌تواند با پیوندواژه */ʔæjæ/* «اگر» به صورت ساخت شرطی دربیاید؛ طبق مثال زیر:

32 -      ʔæjæ      dovas      lænʒej-dur      bæj,  
            ی-باران(بارانی)      اگر باشد      روز  
            ʒecar      xub      ʔæj- pæræn.  
            شکار      وب      آیند- می

اگر روز بارانی باشد، شکار خوب می‌آید.

33 -      bē-pærvaji      værijæn-as,      adæm-dē      xastō      cætō  
            پروایی-بی      از - دیگران      را- آدم      خسته      می‌کند

بی پروایی دیگران ادم را خسته می‌کند.

در جمله (۳۳) عبارت */bē-pærvaji værijæn-as/* «بی پروایی دیگران» در جایگاه بند شرط است. و */adæm-dē xæstu cætu/* «آدم را خسته می‌کند» بند نتیجه است.

از جملات ۲۹-۳۳ چنین وانمود می‌شود که زبان پشه‌ای مانند زبان فارسی می‌تواند مفهوم شرط را در قالب عبارات نیز بیان کند. اما نیاز به تذکر است که، این نوع بندهای شرط در زبان پشه‌ای خیلی کم کاربرد دارد، درحالی‌که در زبان فارسی به صورت روان و سلیس مورد استفاده قرار می‌گیرند.

چنان‌که در مورد زبان پشه‌ای در ابتدا اشاره کردم که این زبان پس‌اضافه قوی است، طبق نمونه‌های ارائه شده دیدیم که زبان پشه‌ای پیش‌اضافه خیلی اندک دارد. آن هم در کلمات وارد شده از زبان فارسی در این زبان؛ درحالی‌که در کلمه‌های اصیل زبان پشه‌ای هیچ نوع پیش‌اضافه دیده نمی‌شود.

موارد دیگری که در اینجا قایل یادآوری می‌دانم این است که زبان پشه‌ای مانند خیلی از زبان‌های ایرانی، به‌ویژه زبان‌های ایرانی شرقی، مانند پشتو جنس را نیز در خود دستوری کرده است. با آنکه در مثال‌های پیش گفته، نمونه‌های آن دیده شد، ولی برای روشن‌تر شدن موضوع به دو مثال زیر توجه می‌کنیم:

34 - janjecæ      ja  
دختر              رفت

دختر رفت.

35 - baṛō        jōj  
رفت              بچه

پسر رفت.

با توجه به مثال‌های فوق، نشانه جنس دستوری در افعال مورد استفاده در جملات (۳۴ و ۳۵) به صورت /ja/ و /jōj/ «رفت» ظاهر شده است.

## ۷ نتیجه‌گیری

در این مقاله ویژگی‌های ساخت جملات شرطی در زبان پشه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. چنان‌که دیدیم، ساخت شرطی با پیوندواژه‌ای مانند /paɣæ/ که به صورت نشان‌دار در این زبان شکل می‌گیرد، همان‌که در فارسی «اگر» است. نمونه‌های زیادی از جملات پشه‌ای ذکر شد و استدلال‌های در این مورد ارائه شد. همچنین ساخت‌های نامتعارف شرطی مانند دیگر زبان‌ها مثل فارسی، در زبان پشه‌ای نیز وجود دارد که مفهوم ساخت شرط را بیان می‌کند. این مورد نیز با نمایش دو گونه آن در بندهای موصولی و زمان، نشان داده شد.

چنان‌که در بحث آمد، مفهوم شرط در زبان پشه‌ای می‌توانست در قالب عبارات نیز بیان شود، این موارد به صورت واضح با ارائه مثال‌هایی از زبان پشه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفته و نمونه‌های کار شد. در تحقیق حاضر مثال به صورت دقیق آوانویسی شده، ضمناً این مثال‌ها به زبان فارسی نیز ترجمه شده‌اند.

جایگاه بند شرط به صورت عادی می‌توانست قبل از بند نتیجه باشد، اما دیده شد در زبان پشه‌ای ممکن است این جایگاه تغییر هم بکند، و ابتدا بند نتیجه و بعد بند شرط بیاید. زبان پشه‌ای با در نظر داشتن اینکه یکی از زبان‌های داردیک و زبانی هندوایرانی شرقی است، ویژگی‌های ساخت شرط در این زبان با زبان فارسی هم‌سویی دارد که در جریان کار در پژوهش به آن‌ها اشاره شد.

## منابع

ابن الرسول، سید محمد رضا، سمیه کاظمی نجف‌آبادی، مه‌ری کاظمی (۱۳۰۵). «رابطه معنایی جمله‌واره پایه و پیرو در جمله‌های شرطی زبان فارسی». ادب فارسی دوره ۶، ش ۱، ۹۳-۱۱۲.

- بقایی، سیده عاطفه و نغزگوی کهن مهرداد. (۱۳۹۸). «کلمات ربط شرطی در زبان فارسی نو». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی س ۹، ش ۱۸، ۹۳-۱۱۲.
- بنزل، هربرت (۱۳۸۹). دپشتو گرامر. ترجمه محمد رحیم الهام، چاپ دوم. کابل: انتشارات صدیقی.
- بینوا، عبدالحی (۱۳۸۷). تاریخچه پشه‌ای‌های افغانستان. چاپ اول. کابل: انتشارات معارف.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۳). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۸). زبان‌شناسی؛ منظری ایرانی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- رستمی، مهدی (۱۳۸۹). «جملات شرطی در زبان فارسی: رویکردی شناختی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۹۳). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی: زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (ویژه‌نامه فرهنگستان)، ۴، آذر ۱۳۹۳، ۲۰۲-۲۲۰.
- زیار، مجاور احمد (۱۳۸۴). پشتو پشویه. چاپ دوم، کابل: انتشارات دانش.
- غمجن، نورمحمد (۱۳۹۹). فرهنگ زبان پشه‌ای. چاپ اول. کابل: انتشارات بیهقی.
- فرخاری، احمدیاسین (۱۳۸۶). دستور زبان دری، چاپ دوم، کابل: انتشارات سعید کیسری، رویا و علی درزی (۱۳۹۴). «جملات شرطی رویدادی در زبان فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی. س ۷، ش ۱، ۴۸-۳۱.
- کلمانی، محمدزمان (۱۳۸۴). پشه‌ای گلینا. چاپ اول. کابل: انتشارات مطبوعه.
- کلمانی، محمدزمان (الف ۱۳۸۹). پشه‌ای افغانان. چاپ اول. کابل: انتشارات بیهقی.
- کلمانی، محمدزمان (ب ۱۳۸۹). مجموعه مقالات و یادبود از شاعر پشه‌ای توکل بابا. چاپ اول. کابل: انتشارات بیهقی.
- کهنگی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). فرهنگ و زبان‌های پشه‌ای به انضمام سایر زبان‌های دارای. چاپ اول، تهران: انتشارات ایرانا.
- میرزائی، آزاده (الف ۱۳۹۹). «دسته‌بندی معنایی ساخت شرطی در زبان فارسی». علم زبان. س ۷، ش ۱۱، ۳۲۶-۳۲۴.
- میرزائی، آزاده (ب ۱۳۹۹). «ساختار جملات شرطی در زبان فارسی». زبان‌شناخت. س ۱۱، ش ۲، ۲۲-۱.
- ناصر، نورالرحمن. (۱۳۹۷). ساخت زبان فارسی. چاپ اول. کابل: انتشارات تمدن شرق.
- نغزگوی کهن، مهرداد و عاطفه بقایی (۱۳۹۹). «جهان‌های ممکن ساخت شرطی در زبان فارسی معاصر». جستارهای زبانی، ۱۱، ش ۲، ۳۳۶-۳۱۵.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۴). «جملات شرطی در زبان فارسی» مجله زبان‌شناسی. س ۲، ش ۲، ۵۶-۴۳.
- یمین، محمدحسین (۱۳۷۶). دستور تاریخی زبان پارسی دری. چاپ اول. کابل: انتشارات میوند.
- یمین، محمدحسین (۱۳۹۴). دستور معاصر پارسی دری. چاپ پنجم. کابل: انتشارات میوند.

Ebert, C., C.Endriss, and S.Hinterwimmer. (2008). "Topics as speech acts: An analysis of conditionals". Proceedings of the 27th West Coast Conference on Formal Linguistics.

- Haegeman, L. (2003). "Conditional Clauses: External and Internal Syntax", *Mind and Language* 18/4: 317-339.
- Lehr, R. (2014). a descriptive grammar of pashai: the language and speech community of darray nur. PHD thesis. Chicago University.
- Liljegren, H. (2019). A micro-typological study of Pashai varieties in Afghanistan. M.A thesis. Stockholm University.
- Morgenstierne, G. (1967). The Pashai language. *Indo-Iranian Frontier Languages*. Oslo Universitet –forlaget.
- Quirk, R., S. Greenbaum, G. Leech & J. Svartvik. (1985). *A Comprehensive Grammar of the English Language*. London, New York: Longman.
- Thompson, S. A., Robert E. L., and Shin Ja J. Hwang. (2007). "Adverbial clauses", In Shopan, T. (ed.) *Language typology and syntactic description*. Vol. 2. P: 237-300. Cambridge: Cambridge University Press
- Yun, J, Hong. (2004). *Pashai picture Dictionary*. Editor/DIN. Community Development Project Coordinator, Jalalabad, Afghanistan.



استناد به این مقاله: ناصح، نورالرحمن و دبیرمقدم، محمد (۱۴۰۱). ساخت شرطی در زبان پشه‌ای.

زبان و زبان‌شناسی ۱۸ (۳۵)، ۱۶۷-۱۴۷. doi: 10.30465/lsi.2023.8503.۱۶۷-۱۴۷